

تحول در نام‌گذاری فرزندان در استان کردستان از ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲: بررسی عوامل و زمینه‌ها

شهاب دلیلی^۱، حبیب رضازاده^۲

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۱۱/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۴/۱۵)

چکیده

یکی از محل‌های ظهور هویت‌طلبی انسان‌ها موقعیت انتخاب نام فرزندان است. بررسی "نام"‌ها می‌تواند حاکی از علایق و گرایش‌های فرهنگی، سیاسی و قومی افراد نیز باشد. انتخاب انواع نام‌ها، تحت تأثیر خرده‌فرهنگ‌های مختلف در طول زمان تغییر می‌کند و از قوت و ضعف روندهای فرهنگی گوناگون در جامعه نشان دارد. اگر تحول نام‌گذاری افراد را از زاویه دغدغه مسائل هویت ملی و قومی هدف واکاوی و بررسی قرار دهیم، سیر تحول نام‌گذاری در مناطقی از کشور ایران که اقوام غیرفارس در آن متمرکزند، درازمدت، با مسائلی چون امنیت ملی و در صورت تمایل به نام‌گزینی خاص و هدف‌دار، با یک‌پارچگی جغرافیایی همراه است. در این تحقیق، به بررسی تحول در نام‌گذاری فرزندان در استان کردستان از ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ می‌پردازیم. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سلسله عواملی سبب تحول در نام‌گذاری فرزندان در استان کردستان شده است. این علل شامل کژکارکردی نظام سیاسی، گسترش ارتباطات و ابزار ارتباطی، بی‌توجهی به گفتمان‌های قومی، تضعیف گفتمان ملی، ناکارآمدی نظام آموزشی، تفاوت مذهبی و وجود گفتمان قوم‌گرا در این استان در میانه سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ است که به ایجاد تحول در نام‌گذاری انجامیده است.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی تهران مرکز (نویسنده مسئول)

shahabdalili@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

habib.rezazade@gmail.com

واژگان کلیدی: هویت، نام‌گذاری، قومیت، قوم‌مداری، کردستان.

مقدمه و بیان مسئله

بررسی تغییر و تحول نام‌های افراد یکی از مواردی است که می‌تواند تجلی فرآیند تغییرات اجتماعی و حتی تغییر نگرش افراد در نظام اجتماعی-فرهنگی باشد. در واقع، نام‌گزینی مانند هر عمل دیگری از ارزش‌ها و انگیزه‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد. نام‌گذاری مقوله‌ای است که از دیدگاه‌های گوناگون بررسی شده است. علوم اجتماعی نیز در فرآیند "نام‌گذاری"^۱ و "انتخاب نام"^۲ افراد وارد شده و آن را از زوایای گوناگون بررسی کرده است. نام‌گذاری، مانند هر عمل دیگر، در "زمینه"^۳ اجتماعی و فرهنگی معینی انجام می‌شود و از این مؤلفه‌ها تأثیر می‌پذیرد (رجب‌زاده، ۱۳۷۸: ۲)؛ از این‌رو، عمل نام‌گذاری در افقی وسیع‌تر، در سطح جامعه، قوم و گروه، مبین گرایش‌های جمعی موجود در آن جمع است و می‌توان با توجه به تغییر روند نام‌گذاری و تحول نام‌ها در باب تحول و تغییر جامعه قضاوت کرد. "نام‌ها" شاخصی برای هویت‌یابی گروهی، تمایزبخشی، شناخت گروه‌بندی‌ها و گسست‌های اجتماعی، تحولات فرهنگی (ارزشی-اعتقادی)، شناخت خرده‌فرهنگ‌های بالفعل و روندهای مختلف در درون فرهنگ و جامعه هستند (جنکینز، ۱۳۸۶: ۷۴). بررسی "نام‌ها" ممکن است حاکی از علایق و گرایش‌های فرهنگی، سیاسی و قومی افراد نیز باشد. انتخاب انواع نام‌ها، تحت تأثیر خرده‌فرهنگ‌های گوناگون در طول زمان تغییر می‌کند که ممکن است از قوت و ضعف روندهای فرهنگی در جامعه نشان داشته باشد. این تحقیق با هدف بررسی تحول در نام‌گذاری فرزندان در استان کردستان (از ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲) به بررسی عوامل و زمینه‌های آن می‌پردازد.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش نظریه‌مبنایی^۴ استفاده شده است. "روش نظریه‌مبنایی" از جمله روش‌هایی است که قصد شناخت منظم دیدگاه‌ها و معانی نام افراد را در یک موقعیت خاص دارد. این روش با ویژگی‌هایی نظیر درگیری کامل پژوهشگر با موضوع مطالعه و امکان به کارگیری روش‌های متعدد و چندگانه جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و امکان تحلیل‌های مجدد

1. Name-Giving
2. The Choice of the Name
3. Context
4. Grounded Theory

میان نظریه (تحلیل داده‌ها) و میدان (گردآوری داده‌ها) می‌کوشد تا شناخت نظری دقیقی از پدیده تحت مطالعه برای محقق فراهم کند (ایمانی، ۱۳۹۱: ۱۶).

به این ترتیب، در روش نظریه مبنایی، نظریه از دل داده‌ها بیرون می‌آید. در این روش، تمام مراحل جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و ساخت نظریه همچون رهیافتی منسجم و متقابلاً مرتبط دیده می‌شوند. نظریه زمینه‌ای با ایده‌های اولیه درباب پرسش تحقیق شروع و به تولید گزارش نتایج ختم می‌شود. در روش تحقیق زمینه‌ای، موضوع پژوهش کلی است و محقق به دنبال شناخت جوانب و کارکردهای پنهان موضوع است و پرسش‌هایی که مطرح می‌کند، عموماً کلی و باز هستند (چمبرلین،^۱ ۱۹۹۵). پرسش‌های تحقیق در نظریه زمینه‌ای خود منبعث از یک پرسش اصلی و آغازین است (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۳۶). پرسش‌های تحقیق در نظریه زمینه‌ای مبین مفاهیم و شناخت پدیده تحت مطالعه هستند. برای درک کلیت مسئله، در ابتدا، محقق به طرح پرسش‌های تعاملی می‌پردازد. در نظریه زمینه‌ای، از آنجاکه پرسش‌ها به صورت کلی و باز مطرح می‌شوند، فرضیات تحقیق نیز بیشتر به صورت کلی‌اند تا فرضیات اختصاصی و مشخص (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۳۶). فرضیه‌ها در این روش نقش دارند، باین حال، استفاده از آنها جنبه صوری دارد و جزئی از فرآیند تکوین نظریه از بطن داده‌ها به شمار می‌آیند (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۱۵). تولید فرضیه در این روش نیازمند آن است که به اندازه کافی "داده" (نام‌ها) داشته باشیم تا فرضیه را پیشنهاد کنیم، نه اینکه آن را آزمون کنیم (گلaser و استراس،^۲ ۱۹۹۷: ۲).

در تشریح ارتباط نظریه مبنایی و کاربست آن در پژوهش پیش‌رو می‌توان گفت برطبق این روش تمرکز محقق بر یافته‌ها (فهرست نام‌ها) و مصاحبه‌ها (با کارشناسان مرتبط) است. در این پژوهش، در مرحله نخست، با دست‌یابی به کلیه نام‌های ثبت‌شده در ثبت احوال استان در طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۲ و کشف و فهم تحول آنها از طریق تفکیک نام‌ها به اسلامی-غربی، اسلامی-قومی، ایرانی-اسلامی، ایرانی-قومی، عربی-اسلامی، غربی، ایرانی و قومی^۳ با انجام مصاحبه‌هایی با صاحب‌نظران دانشگاهی و جامعه‌شناسان در پی کشف علل و عوامل مؤثر در تحولات صورت گرفته برآمدیم.

نگاهی انتقادی به پیشینه پژوهش

1. Chamberlain
2. Glaser & Strauss

۳. این شیوه تقسیم‌بندی با توجه به هدف پژوهش و مشورت با صاحب‌نظران انتخاب شده است.

در زمینه موضوع این پژوهش پیشتر دو الگو در تقسیم‌بندی نام‌ها به کار رفته است: الگوی تحقیق حبیبی و الگوی عبدی (۱۳۷۶). حبیبی (۱۳۸۵) در تحقیق خود در شهر همدان نام‌ها را در دو مرحله به سه مقوله تقسیم کرده است: در مرحله اول، با توجه به ریشه زبانی، نام‌ها را به عربی و فارسی (غیرعربی) تقسیم کرده است؛ سپس، درون مقوله نام‌های عربی دو مقوله را از هم تفکیک کرده است: دینی و غیردینی (حبیبی، ۱۳۸۵: ۴).

عبدی، با انتقاد از مقوله‌بندی ذکرشده، شیوه جدیدی با پنج مقوله اصلی و شش گرایش فرعی ارائه کرده است. از نظر عبدی، مقوله‌بندی حبیبی همه گرایش‌های فرهنگی موجود در ایران را منعکس نمی‌کند. گرایش‌های غربی، که با انتخاب نام‌هایی با ریشه‌های غربی ظاهر می‌شود، همین‌طور نام‌هایی با ریشه زبان‌های موجود در ایران مثل ترکی، کردی و... نادیده گرفته شده است. این تقسیم‌بندی «به لحاظ روش‌شناختی هم کامل نیست»؛ زیرا تقسیم‌بندی یا باید ریشه‌ای باشد یا گرایشی و این دو را نمی‌توان با یکدیگر خلط کرد. نام‌های ترکیبی بسیاری نیز با دو ریشه وجود دارد، مثل "دوست‌علی" که معلوم نیست در چه مقوله‌ای گنجانده خواهد شد (عبدی، ۱۳۷۶: ۳۸-۳۹). با این انتقاد، عبدی نام‌ها را به لحاظ گرایش در پنج مقوله اصلی طبقه‌بندی می‌کند: گرایش غربی، ملی (باستانی)، خنثی، اسلامی، خرده‌فرهنگ (عبدی، ۱۳۷۶: ۲۷-۲۹).

با توجه به هدف پژوهش، که مطالعه تحول در نام‌گذاری فرزندان در استان کردستان است، و مشورت با تنی‌چند از صاحب‌نظران، جهت فهم بهتر و رسیدن به هدف اصلی پژوهش، تقسیم‌بندی خود را صورت دادیم که واجد چندین ویژگی مناسب برای این پژوهش است؛ از جمله:

- تحول نام‌گذاری در این مناطق را با توجه به علایق هویتی افراد، که هدف اصلی این پژوهش است، نشان می‌دهد.
- این تقسیم‌بندی مشکلات تقسیم‌بندی حبیبی و عبدی را نیز ندارد؛ چراکه ضمن توجه به ریشه نام‌ها، آنها را بر پایه زمینه اجتماعی و سیاسی‌شان در استان کردستان تقسیم کرده است. برای به حداقل رساندن خطا در این زمینه، ضمن بهره‌گیری از چندین کتاب فرهنگ نام (فارسی، کردی، ترکی، عربی، اسلامی)، با افراد آگاه و مطلع استان و صاحب‌نظران تحولات منطقه و روند نام‌گذاری مشورت کردیم.

• سیر تحول نام‌های ترکیبی^۱ را (نام‌هایی که دارای دو جزء یا بیشتر بودند، چون محمدطاها، امیرحسین، محمدیاشار، یاشارعلی و...) نیز نشان می‌دهد.

لازم است تا درباب عنوان‌های تقسیم‌بندی نام‌ها نیز توضیحاتی داده شود تا ضمن آشنایی با چرایی انتخاب این عنوان‌ها، از محتوای نام‌هایی که در هر یک از تقسیم‌بندی‌ها قرار گرفته‌اند نیز آگاه شویم.

اسلامی-غربی: در این دسته نام‌هایی قرار می‌گیرند که دو جزء دارند و یک جزء آنها اسلامی و جزء دیگر غربی است؛ برای مثال، محمدآتیلا در این دسته قرار می‌گیرد.

اسلامی-قومی: در این دسته نام‌هایی قرار می‌گیرند که دو جزء دارند و یک جزء آنها اسلامی و جزء دیگر قومی است؛ برای مثال، محمدرائان در این دسته قرار می‌گیرد.

ایرانی-اسلامی: در این دسته نام‌هایی قرار می‌گیرند که دو جزء دارند و یک جزء آنها ایرانی و جزء دیگر اسلامی است؛ برای مثال، محمدپارسا در این دسته قرار می‌گیرد.

ایرانی-قومی: در این دسته نام‌هایی قرار می‌گیرند که دو جزء دارند و یک جزء آنها ایرانی و جزء دیگر قومی است؛ برای مثال، امیرسیوان در این دسته قرار می‌گیرد.

عربی-اسلامی: برای پرهیز از افتادن در مباحث تفکیک بین نام‌های اسلامی از عربی و با توجه به اینکه تفکیک دقیق بین اینها هدف این پژوهش نیست و در کنار یکدیگر گذاشتن این دو، خللی به هدف پژوهش وارد نمی‌کند،^۲ نام‌هایی را که صرفاً عربی یا صرفاً اسلامی بود و حتی نام‌های دوجزئی را، که از جزءهای عربی-اسلامی تشکیل شده‌اند، در این دسته قرار دادیم؛ برای مثال، محمد، اسامه، محمدرسول در این دسته قرار می‌گیرند.

غربی: در این دسته، نام‌هایی که ریشه غربی داشتند و بیشتر غربی شناخته می‌شوند قرار می‌گیرند؛^۳ برای مثال، ادیسا، ژینوس، دیانا در این دسته قرار می‌گیرند.

۱. ترکیبی آن دسته از نام‌ها که از دو ریشه تشکیل شده‌اند، مثل دوست‌علی (عبدی، ۱۳۷۶: ۳۹).

۲. گفتنی است که اگر پژوهشی با فهم تحول انتخاب نام افراد یا گرایش افراد در انتخاب نام فرزندان در مناطقی چون خوزستان صورت گیرد، شایسته است نام‌های عربی و اسلامی از یکدیگر جدا شوند، چون در این مناطق هویت عربی افراد می‌تواند جدای از هویت اسلامی آنان باشد. اما در استان کردستان این جدایی وجود ندارد و از همین رو هم می‌توان نام‌های اسلامی و عربی را در یک دسته قرار داد.

۳. برای مثال، "سارا" که هم غربی، هم ایرانی و هم عربی است، جزو نام‌های غربی قرار نگرفت یا "میترا" به دلیل کاربرد فراوان آن در زبان فارسی، با وجود ریشه غربی، در دسته نام‌های غربی قرار نگرفت.

ایرانی:^۱ در این دسته، نام‌هایی که ریشه ملی، فارسی، شاهنامه‌ای، اسطوره‌ای ایرانی و... داشته‌اند قرار می‌گیرند؛ برای مثال، اردشیر، کیومرث، جمشید در این دسته قرار می‌گیرند. **قومی:** در این دسته، نام‌هایی با ریشه خالص کردی قرار می‌گیرند و سعی شده نام‌هایی که در این مناطق نام‌های قومی شناخته می‌شوند^۲ هم ذیل این دسته قرار گیرند؛ برای مثال، اژین، ژیار، آکو در این دسته قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که در تفکیک و دسته‌بندی نام‌ها، به نام‌های ارمنی، یهودی و نام‌هایی نیز برخوردیم که در هیچ دسته‌ای قرار نمی‌گرفتند، که به دلیل تعداد کم آنها و بی‌تأثیری آنها در نتیجه پژوهش، آنها را در دسته متفرقه قرار دادیم.

جامعه و نمونه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه این پژوهش را تمام متولدان سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ در استان تشکیل می‌دهند که نام‌گذاری آنان در ثبت احوال انجام شده است. برای برآورد حجم یک نمونه دقیق در این تحقیق، هیچ رقم معین یا درصد ثابتی از افراد جامعه وجود ندارد. این امر ممکن است به ماهیت پژوهش، یا داده‌هایی مربوط شود که باید جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شوند؛ بدین معنا که "تمام" نام‌گذاری‌های انجام‌شده در ده سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ تحت بررسی قرار می‌گیرد و وضعیت روندی آن تحلیل می‌شود. از بررسی "تمام" نام‌های ثبت‌شده در ثبت احوال استان مزبور، هدف مهمی را دنبال می‌کنیم، به این شرح که صرفاً با بررسی ۵۰ یا ۱۰۰ نام پُردامنه و پُرتکرار شاید نتوان به تحول نام‌گذاری‌ها در استان هدف پی‌برد؛ چراکه همچنان ۵۰ نام اول و پرتعداد متعلق به حوزه عربی-اسلامی است و این امر با روند کلی کشور نیز تطابق دارد؛ به نحوی که در کل کشور در سال ۱۳۸۲ از مجموع ۵۷۲۳۸۰ ولادت پسر، ۳۸۵۵۹۰ نام متعلق به ۵۰ نام اول بوده است که بیشترین فراوانی را داشته و ۸۰ درصد نام‌ها را نام‌های عربی-اسلامی و مابقی را نام‌های ایرانی تشکیل داده‌اند. در همین سال، از مجموع ۵۴۵۰۲۵ ولادت دختر، ۳۳۸۳۲۳ نام متعلق به ۵۰ نام اول است که در

۱. عنوان ایرانی با تأکید دکتر احمدی جایگزین عنوان فارسی- ملی شده است و دلیل آن نیز پرهیز از ایجاد حساسیت اقوام به کلمه فارسی بوده است.

۲. مهم‌ترین تفکیک مربوط به این نام‌هاست و از همین رو برای به حداقل رساندن خطا و دست‌یابی به اطلاعات دقیق‌تر، در این مورد ضمن بهره‌گیری از چندین کتاب فرهنگ نام، با تنی چند از فعالان اجتماعی-فرهنگی نیز مشورت شده است.

بررسی آنها نیز همچنان نام‌های عربی-اسلامی و ایرانی مقام اول را دارد. در بررسی ۵۰ نام اول در سال ۱۳۹۱ همچنان نام‌های عربی-اسلامی و سپس ایرانی برتری دارند؛ به‌نحوی که از مجموع ۷۱۴۷۸۱ متولد پسر در این سال ۵۵۲۸۹۰ اسم متعلق به حوزه ۵۰ اسم اول است. در باب متولدان دختر در سال ۱۳۹۱ نیز این امر همچنان صادق است؛ به‌نحوی که در میان ۶۷۵۶۱۱ متولد دختر در این سال، ۵۰۱۲۷۰ اسم متعلق به ۵۰ اسم اول تعلق دارد که نام‌های عربی-اسلامی و ایرانی است.^۱ حال آنکه، برای بررسی دقیق و منتج به نتیجه این پژوهش، صرفاً با بررسی تمام نام‌گذاری‌ها می‌توان دریافت که نام‌گذاری‌ها چه فرآیندی را طی کرده‌اند و در چه مرحله‌ای قرار دارند. به‌این ترتیب که از فراوانی تکرار نام‌ها، حتی در ارقام محدود و کوچک (برای نمونه ۵ یا ۱۰ مورد در یک سال) و بررسی وضعیت آن در مسیر ده‌ساله، میزان تغییر و تحول این نام‌ها در دهه پیش‌رو نیز پیش‌بینی‌پذیر می‌شود. در این پژوهش، تمام جامعه آماری را بررسی کرده‌ایم که به‌معنای "سراسرینی" است و بنابراین، پژوهش فاقد جامعه نمونه است.

یافته‌های پژوهش

سیر تحول در نام‌های انتخاب‌شده طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ در استان کردستان

تحلیل تحول در نام‌گذاری فرزندان در استان کردستان

نتیجه بررسی تمام نام‌های ثبت‌شده در مراکز ثبت احوال طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ در استان کردستان، حاوی نکات جالب توجهی است که در دو جدول ۱ و ۲ و دو نمودار ۱ و ۲ تعداد و تنوع نام‌های انتخابی در هر سال مشخص است.

جدول ۱. تعداد نام‌های انتخابی در هر سال در استان کردستان سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۲

سال	تعداد نام‌های انتخابی	اسلامی - غربی	اسلامی - قومی
۱۳۸۲	۱۳۸۲	۷	۴۳
۱۳۸۳	۱۳۸۳	۴	۶۸
۱۳۸۴	۱۳۸۴	۴	۶۶
۱۳۸۵	۱۳۸۵	۳	۷۲
۱۳۸۶	۱۳۸۶	۷	۶۶
۱۳۸۷	۱۳۸۷	۶	۶۷
۱۳۸۸	۱۳۸۸	۸	۶۹
۱۳۸۹	۱۳۸۹	۴	۱۱۲
۱۳۹۰	۱۳۹۰	۵	۱۵۲
۱۳۹۱	۱۳۹۱	۲	۹۱
۱۳۹۲	۱۳۹۲	۵	۱۱۱
مجموع نام‌های در گروه		۵۷	۱۰۱۷
درصد رشد		%۰.۲۵-	%۱.۱۵۸

۱. برای مشاهده جدول ۵۰ اسم اول در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ به سایت سازمان ثبت احوال مراجعه شود.

تحول در نام‌گذاری فرزندان در استان کردستان از ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲: بررسی عوامل و زمینه‌ها

مجموع نام‌های در گروه	ایرانی - اسلامی	ایرانی - قومی	عربی - اسلامی	غربی	ایرانی	قومی	متفرقه	مجموع نام‌ها در هر سال
۱۳۸۲	۱۰۵	۳	۹۱۶۵	۵۲۰	۸۴۱۷	۵۵۴۶	۴۵	۲۳۸۵۲
۱۳۸۳	۱۲۵	۴	۸۷۶۱	۷۲۰	۸۴۱۹	۶۳۷۲	۶۱	۲۴۵۳۴
۱۳۸۴	۱۲۲	۲	۸۴۱۷	۸۸۵	۸۳۵۱	۷۰۵۷	۶۹	۲۴۹۹۳
۱۳۸۵	۱۹۲	۱	۸۲۸۱	۸۲۶	۸۳۶۳	۷۴۷۱	۱۸۷	۲۵۳۹۶
۱۳۸۶	۲۰۲	۲	۷۹۹۴	۹۸۸	۸۶۸۳	۷۶۴۲	۲۲۳	۲۵۸۲۶
۱۳۸۷	۲۵۱	۲	۸۱۵۷	۱۰۱۹	۸۷۷۷	۸۱۶۰	۱۹۷	۲۶۶۶۶
۱۳۸۸	۳۱۳	۳	۷۷۴۴	۱۰۱۶	۹۳۵۰	۸۶۰۹	۲۰۴	۲۷۳۴۶
۱۳۸۹	۲۸۹	۳	۷۱۴۹	۹۸۴	۸۹۶۵	۹۰۷۵	۲۷۱	۲۶۸۵۲
۱۳۹۰	۳۱۷	۳	۶۸۰۹	۱۰۰۴	۸۹۴۶	۹۶۳۵	۲۶۴	۲۷۱۳۵
۱۳۹۱	۳۳۷	۲	۶۹۷۹	۱۰۳۸	۹۰۷۳	۱۰۰۱۰	۲۶۱	۲۷۷۹۳
۱۳۹۲	۴۶۰	۳	۶۹۷۶	۱۱۶۶	۹۲۱۹	۱۰۹۸۲	۳۰۳	۲۹۱۲۶
مجموع نام‌های در گروه	۲۶۱۳	۲۸	۸۶۴۳۲	۱۰۱۶۶	۹۶۵۶۲	۹۰۵۵۹	۲۰۸۵	۲۸۹۵۱۹
درصد رشد	%۹.۲۴۲	%۰.۰۰	%۹.۲۳-	%۰.۱۳۴	%۵.۰۹	%۰.۰۹۸	%۳.۵۷۳	%۱.۲۲

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود:
 • نام‌های ایرانی با تعداد ۸۴۱۷ در سال ۱۳۸۲ و تعداد ۹۲۱۹ در سال ۱۳۹۲ و مجموع ۹۶۵۶۲ در ده‌سال، مقام اول نام‌های انتخابی در این استان را به‌خود اختصاص داده است. رشد نام‌های ایرانی طی ده‌سال در حدود ۱۰ درصد است.

• در رتبه دوم نام‌های انتخابی، نام‌های قومی قرار دارند که با تعداد ۵۵۴۶ در سال ۱۳۸۲ و تعداد ۱۰۹۸۲ در سال ۱۳۹۲ و مجموع ۹۰۵۵۹ در رتبه دوم قرار دارند و از رشدی ۹۸ درصدی برخوردارند.

• نام‌های عربی-اسلامی در استان کردستان در رتبه سوم قرار دارد. نام‌های عربی-اسلامی در سال ۱۳۸۲ با تعداد ۹۱۶۵ و در سال ۱۳۹۲ با تعداد ۶۹۷۶ و در مجموع ده سال با تعداد ۸۶۴۳۲، رشد منفی ۲۴ درصد را به خود دیده است. با دقت در جدول ۵ مشاهده می‌شود که برای اولین بار در سال ۱۳۸۷ تعداد نام‌های قومی از نام‌های عربی-اسلامی پیشی گرفته و تا انتهای سال ۱۳۹۲ همچنان بیشتر از نام‌های عربی-اسلامی انتخاب شده است.

• در رتبه چهارم جدول، نام‌های غربی قرار دارند که از تعداد ۵۲۰ در سال ۱۳۸۲ به تعداد ۱۱۶۶ در سال ۱۳۹۲ رسیده است و در مجموع ده سال به تعداد ۱۰۱۶۶ رسیده است که رشدی ۱۲۴ درصدی را نشان می‌دهد.

• نام‌های ایرانی-اسلامی نیز با ۱۰۵ فقره در سال ۱۳۸۲ و ۳۶۰ فقره در سال ۱۳۹۲ و مجموع ۲۶۱۳ فقره در طی ده سال در رتبه پنجم نام‌های پرتعداد انتخابی در این استان قرار می‌گیرد، که ۲۴۳ درصد رشد کرده است.

• نام‌های متفرقه (ارمنی، یهودی، هندی و نامشخص از نظر ریشه) با فراوانی ۴۵ در سال ۱۳۸۲ و ۳۰۳ در سال ۱۳۹۲ و مجموع ۲۰۸۵ در طی ده سال در رتبه ششم از نظر تعداد نام‌های انتخابی در استان قرار می‌گیرد.

• نام‌های اسلامی-قومی نیز با ۴۳ فقره در سال ۱۳۸۲ و ۱۱۱ فقره در سال ۱۳۹۲ و مجموع ۱۰۱۷ در طی ده سال در رتبه هفتم قرار می‌گیرند که ۱۵۸ درصد افزایش نشان می‌دهد.

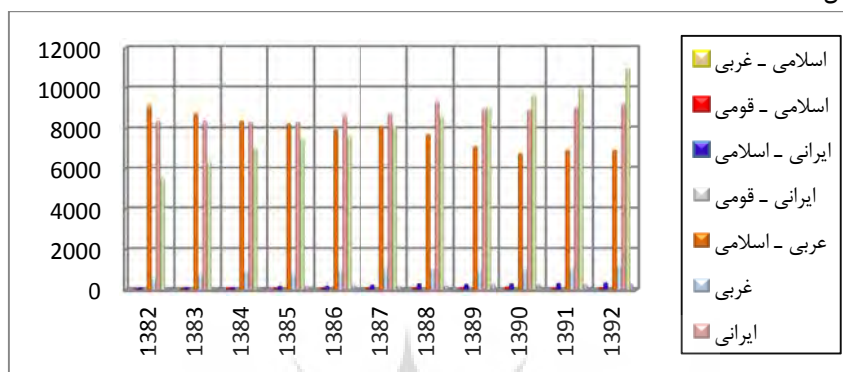
• نام‌های اسلامی-غربی نیز با فراوانی ۸ در سال ۱۳۸۲ و ۶ در سال ۱۳۹۲ و مجموع ۵۷ در طی ده سال در جایگاه هشتم قرار می‌گیرند و با رشد منفی ۲۵ درصد روبه‌رو بوده است.

• نام‌های ایرانی-قومی نیز با فراوانی ۳ در سال ۱۳۸۲ و ۳ در سال ۱۳۹۲ و مجموع ۲۸ در طی ده سال، در رتبه آخر جدول قرار می‌گیرند.

توجه به این نکته لازم است که رشد نام‌های قومی در این استان طی ده سال مورد نظر ۹۸ درصد بوده است و همین روند را در بررسی نام‌های اسلامی-قومی نیز شاهدیم. در مقابل، رشد تعداد نام‌های عربی-اسلامی طی ده سال ۲۴ درصد کاهش یافته است و همین روند سبب شده است که تعداد این گروه از نام‌ها در این استان از نام‌های قومی نیز پایین‌تر باشد. نام‌های ایرانی نیز با ۹،۵ درصد رشد روبه‌رو بوده است.

تحول در نام‌گذاری فرزندان در استان کردستان از ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲: بررسی عوامل و زمینه‌ها

در اینجا، نکته جالب توجه دیگری نیز وجود دارد و آن رشد ۱۲۴ درصدی نام‌های غربی از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ است.



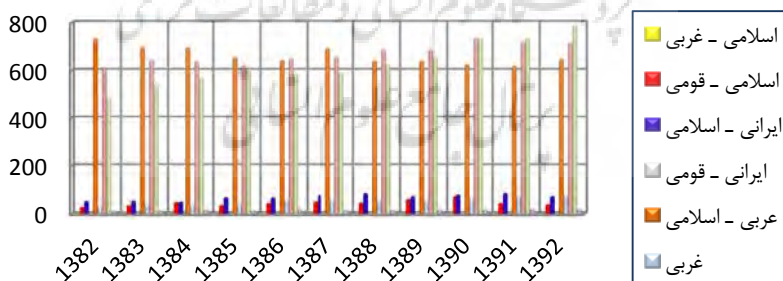
نمودار ۱. تعداد نام‌های انتخابی در هر سال در استان کردستان طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۲

جدول ۲. تنوع نام‌های انتخابی در هر سال در استان کردستان طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۲

درصد رشد	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	
-۵۰٪	۱	۱	۲	۲	۱	۱	۲	۱	۱	۱	۲	اسلامی - غربی
۴۴,۴٪	۳۹	۴۵	۷۳	۶۱	۴۷	۵۲	۴۵	۳۶	۴۹	۳۶	۲۷	اسلامی - قومی
۳۹,۶٪	۷۴	۸۷	۸۰	۷۳	۸۶	۷۸	۶۸	۶۹	۵۱	۵۵	۵۳	ایرانی - اسلامی
۵۰,۰٪	۳	۲	۳	۳	۳	۲	۲	۱	۲	۴	۲	ایرانی - قومی
-۱۱,۶٪	۶۴۸	۶۱۹	۶۲۶	۶۴۲	۶۴۱	۶۹۳	۶۴۳	۶۵۶	۶۹۶	۶۹۷	۷۳۳	عربی - اسلامی
۱۵۱,۶٪	۷۸	۷۱	۶۳	۵۶	۵۶	۵۸	۵۹	۴۲	۳۷	۳۸	۳۱	غربی
۱۷,۴٪	۷۱۶	۷۲۰	۷۳۶	۶۸۶	۶۸۹	۶۵۸	۶۵۰	۶۲۳	۶۴۱	۶۴۵	۶۱۰	ایرانی
۶۱,۹٪	۷۹۰	۷۳۶	۷۳۸	۶۵۴	۶۲۴	۵۹۱	۵۸۴	۶۰۶	۵۷۱	۵۴۵	۴۸۸	قومی
۸۱,۸٪	۲۰	۲۰	۱۸	۱۹	۱۴	۱۶	۲۰	۱۳	۱۶	۱۳	۱۱	متفرقه

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می شود:

- در رتبه اول تنوع نام های انتخابی در استان کردستان، نام های قومی قرار دارد که با تعداد ۴۸۸ در سال ۱۳۸۲ و تعداد ۷۹۰ در سال ۱۳۹۲ از رشد ۶۲ درصدی برخوردار است.
- از میزان تنوع نام های عربی-اسلامی طی سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ کاسته شده و طی روندی دائمی از ۷۳۳ عدد در سال ۱۳۸۲ به ۶۴۸ عدد در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است.
- نام های ایرانی نیز با تعداد ۶۱۰ در سال ۱۳۸۲ و تعداد ۷۱۶ در سال ۱۳۹۲، از ۱۷ درصد برخوردار است.
- در رتبه چهارم جدول، نام های غربی قرار دارد که از تعداد ۳۱ در سال ۱۳۸۲ به تعداد ۷۸ در سال ۱۳۹۲ رسیده است و ۱۵۲ درصد رشد داشته است.
- نام های ایرانی-اسلامی نیز با ۵۳ تنوع در سال ۱۳۸۲ و ۷۴ تنوع در سال ۱۳۹۲ از رشدی ۴۰ درصدی برخوردارند.
- نام های اسلامی-قومی نیز با فراوانی ۲۷ در سال ۱۳۸۲ و ۳۹ در سال ۱۳۹۲ از رشدی ۴۴ درصدی طی ده سال برخوردارند.
- نام های متفرقه (ارمنی، یهودی، هندی و نامشخص از نظر ریشه) با فراوانی ۱۱ فقره در سال ۱۳۸۲ و ۲۰ فقره در سال ۱۳۹۲ با رشدی ۸۲ درصدی در رتبه هفتم از نظر تنوع نام ها قرار می گیرد.
- نام های ایرانی-قومی نیز با تنوع ۲ نام در سال ۱۳۸۲ و ۳ نام در سال ۱۳۹۲ در رتبه هشتم جدول قرار می گیرند.
- نام های اسلامی-غربی نیز با تنها ۲ تنوع در سال ۱۳۸۲ و سپس کاهش آن به ۱ تنوع در سال ۱۳۹۲ در رتبه آخر تنوع طی ده سال قرار می گیرند.



نمودار ۲. تنوع نام های انتخابی در هر سال در استان کردستان طی سال های ۱۳۸۲-۱۳۹۲

علل تحول نام‌ها در استان کردستان

در انتخاب نام، متغیرهای کلی بسیاری از جمله میزان تحصیلات والدین، محیط اجتماعی، دین و مذهب افراد، تشخیص طلبی والدین، تبلیغات، مد بودن نام‌ها، آموزش رسمی، میزان توسعه، محل سکونت افراد، تعلق به طبقه اجتماعی، تعلق به فرهنگ خاص و... دخیل هستند، اما در بررسی تحول نام‌های انتخاب‌شده در استان کردستان، به دلیل بافت قومی و مذهبی استان، مرزی بودن منطقه و هم‌جواری با کشورهای عراق و اقلیم کردستان عراق، باید متغیرهای دیگری را در تحول نام در این منطقه بررسی کرد.^۱ مشاوران صاحب‌نظر^۲ در بیان علل اصلی تحول نام‌ها در این استان و افزایش درخور توجه نام‌های قومی به عواملی اشاره کرده‌اند که در سطور ذیل به آنها اشاره می‌شود و در انتها نیز به پیامدهای این تحول خواهیم پرداخت.

۱. کژکارکردی نظام سیاسی: مردم به گفتمان مذهبی‌ای که نظام مبلغ آن است حساسیت دارند و از همین رو در مناطق قومی، شاهد تمایل مردم به نام‌های قومی هستیم و در مناطق غیرقومی به نام‌های ملی و ایرانی روی می‌آورند. در واقع، بعد از انقلاب اسلامی تا مدتی (اوایل دهه هفتاد) گفتمان رسمی مقبول جمع کثیری از مردم بود و اتفاقاتی چون انقلاب و سپس جنگ و شخصیت امام خمینی^(ره) سبب مقبولیت گفتمان رسمی شد و از همین رو برخی ناکارآمدی‌های نظام در عرصه‌های اقتصادی، سیاست خارجی و... چندان مشکل‌ساز نبود، اما از اواسط دهه هفتاد و به‌ویژه با انتخاب دولت اصلاحات و ایجاد فضای باز سیاسی و اجتماعی واکنش‌ها به برخی کژکارآمدهای نظام آشکارتر و بیشتر شد و از همین رو مردم در تقابل با گفتمان رسمی به انتخاب نام‌هایی برای فرزندان خود مبادرت ورزیدند که با نام‌هایی که ساختار سیاسی مبلغ و حامی آنها بود زاویه داشت و از همین رو، روند کاهش انتخاب نام‌های عربی-اسلامی از این دهه آغاز می‌شود و حتی شاهد تغییر نام‌هایی نیز هستیم که از حوزه عربی-اسلامی به سمت حوزه ایرانی یا در مناطق قومی به سمت حوزه نام‌های قومی چرخیده‌اند.

۲. گسترش ارتباطات و ابزار ارتباطی: همان‌طور که پژوهش‌های دیگر با موضوع انتخاب نام‌ها در مناطق دیگر ایران نشان می‌دهند، گسترش ابزار ارتباطی از جمله متغیرهای مؤثر در انتخاب نام است. در استان کردستان نیز تحول نام‌ها از این متغیر بی‌تأثیر نبوده است و به دلیل

۱. احمدی (۱۳۹۳/۵/۳۰).

۲. سلسله مصاحبه‌هایی با آقایان حمید احمدی، احسان هوشمند و رضا جلالی صورت گرفته است که در این پژوهش از یافته‌های این مصاحبه‌ها بهره برده‌ایم.

بافت قومی خاص این منطقه، افزایش ابزارهای ارتباطی چون ماهواره، اینترنت، نشریات، مسافرت و... سبب آگاهی قومی در این مناطق شده است که در نتیجه آن شاهد تحول نام‌ها به نام‌های قومی هستیم. جریان‌های قومی از ابزارهای ارتباطی گسترده و متنوعی چون نشریات، ماهواره، اینترنت برای گسترش گفتمان خود بهره می‌جویند و حتی ارتباط شفاهی بین افراد این مناطق با یکدیگر سبب افزایش گفتمان قومی و انتخاب نام‌های قومی می‌شود. مراجعه به رسانه‌های برون‌مرزی، رسانه‌های دیداری و شنیداری کشورهای همسایه (که حتی به آنتن‌های مجهز و خاص نیاز ندارد و به‌سادگی در دسترس است) و رسانه‌های داخلی محلی (استانی) سبب شده است تا اقبال مراجعه به نام‌های قومی افزایش یابد.

۳. گسترش درخواست اجتماعی اصلاحات و ایجاد فضای باز سیاسی پس انتخابات ۱۳۷۶: در دهه ۱۳۷۰، با روی کار آمدن دولت اصلاح‌طلب و سعی در ایجاد فضای باز سیاسی و آزادی، به‌ناگهان گفتمان‌های قومی مجال ابراز وجود و فعالیت یافتند و در این فضا تلاش کردند تمام بحران‌هایی را که نظام با آنها درگیر بود، چون بحران فرهنگی، بی‌کاری مشروعیت و... با قومیتی خاص مرتبط و اعلام کنند که بی‌کاری، عدم مشارکت و... به‌دلیل این است که قوم خاصی در مرکز حاکم است و در این فضا بسیج مردمی را نیز تشکیل داد. تمام این اتفاقات در کنار فضای آزاد دوره اصلاحات سبب گسترش این گفتمان شد. این فضا به ظهور نشریات قوم‌گرا در سطح وسیع انجامید. همین فعالیت‌ها سبب شکل‌گیری نسلی شد که مروج گفتمان قومی محسوب می‌شوند که در نهایت، یکی از کارکردهای آن افزایش انتخاب نام‌های قومی در این مناطق است.

۴. مسئله مشارکت: «سیاست‌های مدیریتی با نگاهی ایدئولوژیک به خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌ها نگاه می‌کند» (هوشمند، ۱۳۹۳)؛ این نگاه سبب مشارکت‌ندادن خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌ها در مدیریت سیاسی کلان کشور شده است و همین امر سبب آن شده تا گروه‌هایی از مردم همواره خود را خارج از نظام بدانند و در واکنش به این اتفاق، به فعالیت‌های مختلفی روی آورند. فعالان قومی وجود این بحران و دوربودن از فرآیند مشارکت را ناشی از تسلط یک قوم خاص در مرکز می‌دانند و از همین‌رو توان سلب مشروعیت از گفتمان ملی را نیز به‌دست می‌آورند. در این فرآیند هرآنچه نشانه‌ای از گفتمان ملی و گفتمان رسمی دارد هدف مخالفت قرار می‌گیرد. از جمله می‌توان به نام‌های ایرانی و اسلامی اشاره کرد که اولی به‌علت اینکه به گفتمان ملی تعلق دارد در این مناطق با آن مخالفت می‌شود و از فرآیند انتخاب کنار گذاشته

1. Problem

می‌شود، و دومی نیز به دلیل برخی باورها به اینکه نظام سیاسی، که فاقد کارآیی است، حامی و مبلغ آن است، در مخالفت با گفتمان رسمی مهجور می‌ماند.

۵. **عدم حساسیت به گفتمان‌های قومی:** نظام سیاسی در مقابل مسائل قومی بی‌اعتناست و همچنان نیز حساسیت ندارد و همین به پیدایش حاشیه امنی برای بحث‌های قومی و فعالان آن منجر شده است. دولت اصلاحات نیز که مشوق ایجاد فضای بحث و گفت‌وگو بود به فعالیت آسان فعالان قوم‌گرا و نشریات آنان کمک کرد. در واقع، بسیاری از افراد نظام به مباحث قومی حساسیتی ندارند یا اینکه اطلاعی از آثار تبعی آن ندارند. دشواری‌های ناشی از فعالیت‌های ملی‌گرایی نیز سبب گسترش گفتمان قومی در این مناطق به‌ویژه در دانشگاه‌ها شده و سپس این گفتمان به درون جامعه نفوذ کرده است. در این فضا، گفتمان قومی گسترش یافته و با برخی بحران‌هایی که روی داد تقویت شده است. بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کنار بسیج سیاسی گفتمان قومی سبب گسترش گفتمان قومی و در انتها افزایش نام‌های قومی شده است. البته، ما شاهد تغییر نام‌هایی نیز بوده‌ایم که بعد از تغییر، نام قومی انتخاب شده است.

۶. **تضعیف گفتمان ملی:** در باب افزایش نام‌های قومی، باید به تضعیف گفتمان ملی نیز اشاره کرد که ساختار سیاسی نیز از آن حمایت می‌کند. وقتی مردم شاهد تضعیف گفتمان ملی باشند، این گفتمان از یاد می‌رود و نام‌های آن نیز فراموش می‌شود. در این نظام، ایرانی بودن و نام‌های ایرانی ملازم آن به محاق رفته است و ما شاهد بدنام‌شدن تاریخ ملی و ایران هستیم. در صداوسیما، نام‌های ملی همچون هوشنگ، کیومرث و... بر شخصیت‌های منفی نهاده می‌شوند و همین سبب دلزدگی مردم از نام‌های ملی می‌شود. این موضوع، در کنار عدم حساسیت به گفتمان قومی، توجه مردم این مناطق را به نام‌های قومی معطوف می‌کند. گفتمان ایرانی،

۱. اداره کل ثبت احوال استان کردستان برای هر اسمی که در فرهنگ‌هایی مانند فرهنگ ماموستا هه ژار و فرهنگ نام‌ها و شخصیت‌های سید شهاب خضری یا هر فرهنگ دیگری ثبت شده باشد، شناسنامه صادر می‌کند و در این زمینه محدودیتی وجود ندارد. بنا به گفته مدیرکل ثبت احوال استان کردستان این نهاد هیچ محدودیتی برای نام‌گذاری نام‌های کردی قائل نیست و حتی با توجه به مرزی بودن استان، گاهی پا را از قانون نیز فراتر نهاده و با برخی نام‌های خارجی نیز مانند کیوین، ایمیلیانو و آدانا هم در استان موافقت کرده است، نام‌هایی که در کشور ممنوع هستند. حتی انتخاب نام‌هایی مانند شورش، خهبات، هیرش، شوان، شاهو و... نیز با محدودیتی مواجه نمی‌شود. سیاست اصولی و کلی اداره کل ثبت احوال استان کردستان در بخش نام‌گذاری تعامل با مردم است. به همین دلیل، در صورتی که اسمی هم در فرهنگ‌های کردی مرجع نام‌گذاری وجود نداشته باشد، شخص می‌تواند با مراجعه به گروه زبان و ادبیات کردی دانشگاه کردستان، تأییدیه کردی بودن آن اسم را بگیرد و با آن اسم شناسنامه هم صادر خواهد شد.

به‌مثابه گفتمان مخالف، در حاشیه قرار می‌گیرد، اما گفتمان قومی حساسیت دولت را بر نمی‌انگیزد و از همین‌رو، فرصت توانمندشدن به‌لحاظ مالی و بسیج بیشتر پیدا می‌کند. گفتمان ملی و فعالان آن هدف بی‌مهری ساختار سیاسی قرار گرفته است و ابزار و قدرت مانور برای ترویج خود را ندارد.

۷. نگاه فایده‌گرایانه در انتخاب نام: باید توجه کرد که مردم نگاه فایده‌گرایانه‌ای نیز در انتخاب نام برای فرزندان خود دارند. مردم زمانی که متوجه مخالفت یا واکنش منفی دستگاه حاکم در برابر نام‌های ملی و ایرانی می‌شوند و در عوض می‌بینند که دولت به نام‌های قومی حساسیت منفی ندارد، در انتخاب نام فرزندان خود به‌جانب نام‌های قومی روی می‌آورند. البته، باید توجه داشت که به همان دلیل عدم کارآمدی مناسب سیستم، مردم چندان تمایلی نیز به انتخاب اسامی اسلامی مورد حمایت سیستم ندارند.

۸. ناکارآمدی خرده‌نظام آموزشی: در خصوص کارویژه‌های نظام آموزشی در حوزه هویت‌سازی و مشخصاً انتخاب نام اشخاص باید گفت کژکارکردی نظام آموزشی سبب شده است فرزندان و بچه‌های امروز و نیروی انسانی آینده کشور با گذشته ایران ناآشنا باشند و نوعی دشمن‌سازی هویتی درباره این افراد صورت گیرد.

۹. تفاوت مذهبی مردم استان کردستان با مذهب رسمی: ازجمله علل افزایش نام‌های قومی در استان کردستان بحث مذهب در این استان است. تفاوت مذهبی در این منطقه سبب تقویت جریان قوم‌گرایی و در نتیجه، افزایش نام‌های قومی شده است. از آنجاکه دو مؤلفه قومی و مذهبی در استان به‌لحاظ هویتی به حاشیه رانده شده‌اند، در برابر هویت رسمی و مرکزی مقاومت می‌کنند و در جهت تثبیت هویت خود اقداماتی در پیش می‌گیرند که نام‌گذاری فرزندان جلوه‌ای از این مقاومت است.

۱۰. وجود گفتمان‌های قوم‌گرا در این استان‌ها: عامل دیگر در گسترش نام‌های قومی در استان کردستان، وجود گفتمان‌های قوم‌گراست که در مخالفت با گفتمان ملی و رسمی منطقه جاری است. گفتمان قوم‌گرا در استان کردستان، با تشکیل اقلیم کردستان (در کشور عراق) قوی‌تر شده و تشدید انتخاب نام‌های قومی را به‌دنبال داشته است.

۱۱. عوامل خارجی: عوامل خارجی تأثیر غیرمستقیم دارند، تأسیس اقلیم کردستان و تردد آسان هم‌وطنان کرد به این منطقه، سبب وام‌گیری برخی نام‌های کردی از این منطقه شده است. آن‌گونه که در جهت مقاومت هویتی، اقلیت‌های درون مرزی به وضعیت اقلیت‌های آن‌سوی مرزها می‌نگرند و چون در مسائلی مانند قومیت (کرد)، مذهب (سنی)، حاشیه اقتصادی و... هم-

درد و همراه هستند از آن سوی مرز تأثیر می‌پذیرند و وضعیت خود را با آنها مقایسه می‌کنند و این رقابت سبب تحول بیش‌ازپیش در نام‌های انتخابی والدین در این استان می‌شود.

نتیجه‌گیری

نام‌ها شاخصی برای هویت‌یابی گروهی، تمایزبخشی، شناخت گروه‌بندی‌ها و گسست‌های اجتماعی، تحولات فرهنگی (ارزشی، اعتقادی)، شناخت خرده‌فرهنگ‌های بالفعل، روندهای مختلف در درون فرهنگ و جامعه هستند. در ساحت جامعه‌شناسی تفهیمی وبری، شکل‌گیری مفهوم "هویت" متأثر از عواملی است که می‌توان انتخاب نام را جزئی از این عوامل دانست. حال، اگر انتخاب نام در این استان از الگوی خاصی (قومی) پیروی کند، در آینده هویتی شکل می‌گیرد که با گفتمان رسمی و ملی در تضاد است و تهدیدی برای فرهنگ ملی و درازمدت امنیت ملی تلقی خواهد شد. حتی اگر انتخاب نام‌های قومی در این مناطق عامدانه نباشد، در درازمدت افرادی که نام‌های قومی بر آنها گذاشته شده است درباره نام‌های خود آگاهی کسب می‌کنند و این آگاهی، که درمقابل آگاهی ملی و هویت ملی است، ممکن است سبب تمایز بین این افراد با دیگر گروه‌ها شود. در بیانی ساده، همان‌گونه که انتخاب نام از هویت والدین متأثر است، بر هویت فردی که نام بر او گذاشته شده نیز تأثیر می‌گذارد و نام‌ها می‌توانند حاکی از علایق و گرایش‌های فرهنگی، سیاسی و قومی افراد باشند.

انتخاب انواع نام‌ها، تحت تأثیر خرده‌فرهنگ‌های گوناگون در طول زمان تغییر می‌کند و حاکی از قوت و ضعف روندهای فرهنگی در جامعه قرار می‌گیرد. اگر تحول نام‌گذاری افراد را از زاویه دغدغه مسائل هویت ملی و قومی واکاوی کنیم، خواهیم دید که سیر تحول نام‌گذاری در مناطقی از کشور ایران که اقوام غیرفارس در آن متمرکزند در درازمدت با مسائلی چون امنیت ملی و درصورت تمایل به نام‌گزینی‌های خاص و هدف‌دار، با یک‌پارچگی جغرافیایی همراه بوده است. البته، درباب پیامدهای تحول نام‌ها در استان کردستان اختلاف‌نظر وجود دارد، به‌نحوی که برخی این تحول را «به‌معنای هرگونه واکنش مرکزگریزی و ضد ملی‌گرایی نمی‌دانند»^۱ اما برخی دیگر، خلاف این نظر، معتقدند که نام‌های تنها سبب شکل‌گیری هویت نیستند، بلکه

۱. مصاحبه با احسان هوشمند (۱۳۹۲/۶/۴)

موقعیت فردی را نیز شکل می‌دهند. این انتخاب نام‌های قومی به‌طور غیرمستقیم به تهدیدی برای امنیت ملی تبدیل می‌شود. در واقع، این روند نوعی تهدید فرهنگی است که در نهایت امنیت ملی را نیز تهدید می‌کند. زمانی که با گسترش نام‌های قومی روبه‌رو باشیم، گفتمان و فرهنگ ملی رو به فراموشی می‌گذارد و همین موضوع فضا را برای ترویج گفتمان‌های قومی آماده می‌کند. این اتفاقات به حذف فرهنگ ملی در این مناطق منجر می‌شود.^۱

در زمینه پیش‌بینی سیر تحول انتخاب نام‌ها در استان مزبور، کارشناسان و صاحب‌نظران بر این باورند که تا زمانی که علل این تحول (همان علت‌های اشاره‌شده) باقی باشد، مسیر تحول نیز همچنان بر همین منوال خواهد بود. اگر متغیرهایی که سبب ایجاد این تحول شده است، همچون مسئله مشروعیت، کارآمدی و... همچنان وجود داشته باشد، در آینده نیز این روند ادامه خواهد داشت و شاهد افزایش نام‌های قومی در این مناطق خواهیم بود.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۷) قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت، تهران: نی.
- استاندارداری کردستان (۱۳۹۴) «معرفی استان کردستان»، دسترسی در: <http://www.ostan-kd.ir/Default.aspx?TabID=37>
- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵) اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنايي، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایمانی، محمدتقی، روح‌الله جلیلی و محسن نعمتی (۱۳۹۱) بررسی رابطه نگرش به هویت اسلامی-ایرانی با نام‌گزینی در استان فارس، طرح پژوهشی، به سفارش سازمان ثبت احوال کشور.
- بحرانی، محمود (۱۳۸۵) «زمینه‌های فرهنگ نام‌گذاری نوزادان در شهر شیراز»، زبان‌شناسی، سال بیست‌ویکم، شماره ۲ و ۱: ۱۰۵-۱۱۸.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴) طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴) روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: فرهنگ گفتمان.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۶) هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: پردیس دانش.
- حبیبی، نادر (۱۳۸۵) تحول نام‌ها و اسامی اشخاص قبل و بعد از انقلاب اسلامی، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۸) تحلیل اجتماعی نام‌گذاری، تهران: روشن.

۱. مصاحبه با حمید احمدی (۱۳۹۳/۵/۳۰)

طیب، محمدتقی و بتول علی‌نژاد (۱۳۸۲) «بررسی گرایش‌های جدید نام‌گذاری در اصفهان براساس زبان‌شناسی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، شماره ۳۲ و ۳۳: ۲۳-۵۸. عیدی، عباس (۱۳۷۶) *تحول نام‌گذاری کودکان تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵*، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی. منصور آل‌کثیر، قاسم (۱۳۸۹) «نگاهی به فرهنگ نام‌گذاری عرب‌های خوزستان، از هلال و اصبیحه تا فریال و راشن»، دسترسی در: <http://www.borwall.com/%D8%A7>

Chamberlain, K. (1995) "What Is Grounded Theory? Qualitative Research for the Human Sciences," <http://Kerlins.Net/Bobbi/Research/Qualresearch/Bibliography/Gt.Html>
Glaser, B. G. & Strauss, L. (1997) *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Chicago, Aldine Publishing Company.

